روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

آفتاب یزد

روزنامه صبح ایران

نشانی الکترونیکی روزنامه: aftab.yz@gmail.com
سامانه پیامک آفتاب یزد: ۳۰۰۰۱۴۱۴۲۷
عضو انجمن روزنامه‌های غیر دولتی- تعاونی مطبوعات- انجمن مدیران رسانه
توصیه می‌شود درخصوص برخی آگهی‌ها تحقیق لازم صورت گیرد

اذان ظهر ۱۲:۱۴
اذان مغرب ۱۷:۳۶
اذان صبح فردا ۵:۴۵
طلوع آفتاب فردا ۷:۱۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری
سردبیر: سید علیرضا کریمی
تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فراهانی(به سمت هفت تیر) کوچه ۲۶ پلاک۱۰ طبقه اول واحد یک
امور آگهی‌ها: ۰۹۱۲ ۸۱۹ ۷۷۸۲
تلفن: ۸ -۸۸۳۲۱۳۹۷ نمابر: ۸۸۳۲۱۳۹۹
چاپ: همشهری(۳)- جاده مخصوص- تلفن: ۷-۴۴۵۴۵۰۷۶
توزیع: تلفن: ۰۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲
دفتر مرکزی یزد: بلوار ۲۲ بهمن، تلفکس: ۰۳۵-۳۵۲۴۶۹۱۹
مقالات و نوشتارهای ارسالی به روزنامه افتخاری بوده و درصورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

پنجشنبه ۲۷دی ۱۳۹۷ | 17JAN 2019 | ۱۰جمادی الاول ۱۴۴۰ | سال ۲۱ | شماره ۵۳۷۳ |

امام علی (ع): هرگاه کنایه و گوشه به انسان عاقل بزنی، سرزنش دردآوری به او کرده‌ای.

آفتاب — دلنوشته

مستند من شرمنده ام

● امیر حسین ذاکری
روزنامه‌نگار

شبی به همسرم گفتم شرمنده‌ام به خاطر تمام شعارها و وعده‌هایی که دادم وعمل نکردم. وی خندید و گفت، خدایی اگر مسئول بودی باز آنقدر صریح ابراز شرمندگی می کردی ؟ عرض کردم بله مثل تمام مسئولین. البته خیلی چیزها باعث شرمندگی می شود مثلا مردم سالاری به فقر سالاری مبدل شد. اینکه ما اصولا جزو قشر شرمندگانیم (بینوایان سابق) شدیم. چندی پیش یک استاد بزرگواری در مورد مرحوم هاشمی گفته بود" وی رادیکال بوده " که صحت و سقم این ادعا باخود ایشان اما من می توانم بگویم اگر حتی آن مرحوم رادیکال بوده از دنیا رفته اما ما گرفتار انواع رادیکال ها و تندروی های زنده ایم . مثل رادیکالیزم در تخریب دیگران، رادیکالیزم قیمت ها، حباب ها دلالی، یا رادیکالیزم وعده و شعار خصوصا هنگامه انتخابات که ماشاالله تک تاز در وعده و شعار می تازند نوعی رادیکالیزم و تندروی است اما من به سهم خود بابت تمام این رادیکال بازی ها احساس شرمندگی می کنم حتی به جای کسانی که در وعده ها رادیکال بوده و افراط کردند احساس شرمندگی می کنم.

*حتی به خاطر "رادیکالیزم قیمت ها" فرهنگ خساست نهادینه شده چنان که چندی پیش خانمم بازار رفته و فقط یک عدد ران مرغ خریده بود. فروشنده از خساست همسرم تعجب کرده اما همزمان برخی مشتریان دیگرهم تقاضای خرید یک ران می کنند.

*دیشب یک داستان کوتاه به نام" جوراب های سوراخ شده " را برای خانمم می خواندم، وی همزمان یک لنگه از جوراب هایش را رفو می‌کرد زیر لبی غرو لندی کرد و گفت چند بار باید این جوراب را بدوزم.بخیه های روی جورابم مثل بخیه های زمختی اند که برخی دکترها می زنند .گفتم بانوی من به داستانی که می خواندم توجه نمی کردی ؟ وی تبسم ملایمی کرد و گفت شازده، تو به داستان جوراب سوراخ شده من توجه کردی؟ عرض کردم بله توجه کردم من شرمنده این داستانت شدم.

* خلاصه کلام ، شهردار سابق پر بیراه نگفته " در این شرایط بسیاری از مردان شرمنده خانواده شده اند" چه بسا خود شهردار سابق هم شرمنده خانواده اش شده باشد. البته من هر وقت به همسرم می گویم:" شرمنده" وی پاسخ می‌دهد: دشمن ات شرمنده . اما فعلا که بیشترین شرمندگی از آن من است. انصافا "من شرمنده ام" یک مستند واقعی است احساس شرمندگی ام نسبت به خانواده روز به روز رادیکال تر و تندتر می شود !

آفتاب — حافظ نامه

ظریفی نزد ما بیامد و بگفت حافظا ! شایعه و خبر می دهند آقای ظریف وزیر امور فرنگ (خارجه) استعفا داده امید است که شایعه و کذب باشد، اما تو رابه شاخه نباتت در فال ات در این مورد ما را پندی ده . در فال دکتر ظریف گفتیم:

ناظر روی تو صاحب نظرانند آری
سِرّ گیسوی تو در هیچ سری نیست که نیست

در تفسیر شعر هم گفتیم: مراد از این فال و شعر این است آنان که به دکتر ظریف می نگرند چه موافق و چه مخالف صاحب نظرند. لیکن به جناب دکتر ظریف و خصوصا مخالفین وی از قول حافظ بگو: سرگیسوی وی در هیچ سری نیست که نیست! فکر کنم پاسخ فال حافظ را درک نمایند!

آفتاب — یادداشت

نظری به بودجه سال دیگر

● ضیا، مصباح

اقتصاد دولتی، نفتی ، رانتی رهاورد آن یعنی «بودجه تنظیمی » ارائه شده برای سال آینده، به نظر نگارنده عامل کاهش بیشتر سلامت، آرامش، امید به آینده، پویایی، احساس مسئولیت و رفاه مردم صبورمان خواهد بود. هر چند شعارگونه، در ظاهر، بیان و روی کاغذ مقابله با تحریم‌ها، مهار تورم، رشد و توسعه، صیانت از تولید و اشتغال، تامین معیشت مردم، ثبات اقتصادی، ارتقای شاخص‌های سلامت و عدالت اجتماعی از رویکردهای اصلی آن به شمار می رود.از مهم‌ترین بندهای بودجه سال آینده «سیاست‌های حمایتی دولت از تولید و اشتغال» می‌باشد و بودجه عمرانی با رشد ۱۳ درصدی، به ازای هر ایرانی برای رفاه اجتماعی ۱۱۳هزار تومان «معادل ۱۱ دلار» هزینه را در نظر گرفته است!! با توجه به اعمال تحریم‌ها بعد از خروج آمریکا از برجام، فروش نفت و ورود ارز صادراتی به کشور، باید با مدیریت صحیح منابع همراه و بودجه لازم به نیازهای واقعی اقتصاد تخصیص یابد که این امر رعایت نشده است.بودجه مربوط به ایجاد اشتغال، فقرزدایی، فرهنگ، آموزش و... با سنجش میزان تورم، کاهش یافته و قدرت خرید مردم کمتر شده و می‌شود .افزایش حقوق کارکنان دولت معادل ۲۰ درصد آن هم با روش پلکانی با توجه به تورمی که صندوق بین‌المللی پول و موسسات اعتبار سنجی رقمی معادل ۳۷ درصد پیش بینی کرده‌اند، مشکلی را برطرف نخواهد کرد.

تقویت بخش خصوصی که در تمام دولت‌ها مطرح بوده و با قوام بخشیدن، ارائه تسهیلات و محوریت آن حاصل می‌گردد از حوزه اندیشه و حرف به مرحله اجرا نرسیده که هر ساله این شعارها را می‌شنویم.شرکت‌های دولتی و خصولتی ها با در اختیار گرفتن بخشی از اقتصاد حدودا اسباب عقب ماندگی بخش خصوصی شده‌اند .

بیشترین منابع بانک‌ها به جای تقویت بخش خصوصی در اختیار شرکت‌های خصولتی قرار دارد. بانک‌ها قادر نیستند به بخش خصوصی کمک کنند. دولت همواره تاکید بر تقویت بخش خصوصی داشته، اما اینکه از طریق چه منابعی و چگونه، مشخص نیست.بخش خصوصی محروم از منابع بانکی است و بانک‌ها منابع بسیاری را در اختیار شرکت‌های دولتی و رانتی گذاشته اند . وضعیت بانک‌ها نامساعد و مجموعا چندین برابر بانک مادر؛ در این گیر ودار به افزایش نقدیگی بدون پشتوانه مبادرت ورزیده‌اند آن هم در بودن، کنترل و نظارت بانک مرکزی . این نقدینگی کجا هزینه شده و به چه علت بخش خصوصی پیوسته باید برای مقادیرکم و سرمایه در گردش سرگردان باشد هیچ مرجعی پاسخگو نیست.

بخش دولتی و خصولتی با در اختیار داشتن بیشترین سهم اقتصاد، به نظر می‌رسد بالنسبه فعال باشند هر چند که این بخش‌ها به دلیل ناکارآمدی، فساد موجود و اختلاس پی در پی رشد منفی اقتصادی را رقم زده و خواهند زد.

بخش خصوصی کشور در این میان با همه ادعای حمایت‌ها نظاره‌گر بوده و به خوبی می‌داند که برای تحول در اقتصاد باید در اندیشه سیاست مداران و سیاست گذاران (به اصطلاح اقتصادی) تغییرات اساسی رخ دهد که البته آنچه به جایی نرسیده فریاد بوده است .بر این مبنا اقتصاد دولتی، دوای درمان فقر، فاصله طبقاتی، مشکلات آموزشی، بهداشتی و حلال سایر دردهای اجتماعی نیست و درب بر همان پاشنه می‌چرخد . بخش خصوصی باید مورد حمایت دولت قرار گیرد تا با پرداخت تسهیلات موتور چرخه تولید به حرکت در آمده و توسعه اقتصادی رخ دهد.با ادامه این وضعیت و سیستم گذرا با اعتقاد به «امید فرج از این ستون به دیگر ستون » فاصله بین تورم روزافزون و پایین بودن درآمدها، ادامه نابسامانی ها در تمامی زمینه ها مخصوصا ناتوانی در کنترل گرانی افسارگسیخته، از آن مهم‌تر ناتوانی در اعمال مدیریت و شاهد اعلام نارضایتی کارگران، کارمندان، معلمان و دیگر اقشار با درآمد ثابت در عرصه‌های متفاوت خواهیم بود.لذا می‌توان گفت: با ادامه و استمرار این بینش، عملکردها و سیاستها، که فراری دهنده مغزها و سرمایه‌گذاران اعم از خارجی و داخلی شده نمی‌توان منتظر گشایشی نشست و باید تدبیر کرد.

آفتاب — فلش بک سیاسی

روزنامه آفتاب یزد در نظر دارد هر روز در این ستون بخشی از خاطرات سیاسیون برجسته کشور را به چاپ برساند. این سلسله خاطرات را با مرحوم اکبرهاشمی‌رفسنجانی از مسئولان با سابقه نظام ادامه می‌دهیم. او زاده رفسنجان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده تهران در مجلس خبرگان رهبری و رئیس هیئت موسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی‌بود.هاشمی همچنین اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس جمهور ایران در دو دوره پیاپی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بوده و به عنوان یکی از پرنفوذترین شخصیت‌های سیاسی‌نظام‌شناخته‌می‌شود.

تعدیل یک کتاب در مورد شوروی

پنج شنبه ۴ فروردین ۱۳۶۲:

تمام روز در منزل بودم و مطالعه می‌کردم. پیش از ظهر تلفنی با آیت‌الله آقای خامنه‌ای صحبت کردم؛ شرح سفر را گفتم و از جبهه پرسیدم. از قول سرهنگ صیاد شیرازی نقل کردند که وضع خوب است و دو سه روز دیگر برای گزارش خواهند آمد، ولی از آقای محسن رضایی نقل کردند که مشکلات دارند. [1] آقای سرهنگ محمد سلیمی وزیر دفاع، می‌خواست برای دیدن عید بیاید، گفتم به کلی دید و بازدید نداریم و تشکر کردم. اخبار مهمی نداریم. از کردستان خبرهایی از سرکوب ضدانقلاب می‌رسد. جبهه‌ها راکد است.

جمعه ۵ فروردین ۱۳۶۲

تا ساعت ده و نیم صبح، در خانه برای خطبه‌های نماز جمعه، مطالعه می‌کردم. نماز جمعه را در دانشگاه تهران اقامه کردم؛ بحث‌های عدالت اجتماعی تعقیب شد و شرحی بر بیانات امام در روز نوروز گفتم. [2] سخنان ایشان، موضع ما را در مقابل طرفداران سرمایه‌داری محکم‌تر کرده است. از بازداشت آقای راغب حرب امام جمعه جبشیت لبنان، توسط اسرائیل گفتم و از حمایت‌های محافل دینی لبنان از او تجلیل کردم. [3]

عصر و شب به مطالعه، استراحت و بررسی کتاب «ارزش‌ها و مکتب‌ها» پرداختم. این کتاب را در زندان نوشته‌ام و بنا است به صورت پاورقی در روزنامه‌ها چاپ شود. [4] لحن و مطالب کتاب نسبت به مارکسیسم و مارکسیست‌ها مخصوصا شوروی تند است. گرچه اگر مسئولیت‌های فعلی را نداشتم، اشکالی نداشت اما در شرایط فعلی و با توجه به روابط دو کشور باید تعدیل شود. [5]

شب خبر رسید، در منطقه‌ای بین تهران و آمل – ۸۰ کیلومتری تهران- زلزله آمده و بخشی از کوهها به جاده هراز ریخته و از مسافران این جاده تلفاتی گرفته و به روستاهای منطقه هم آسیب زیادی رسانده است.

قرار بود امروز عصر، فائزه و حمید لاهوتی هم از مازندران به تهران بیایند. عفت کمی نگران شده بود؛ معلوم شد هنوز در گنبد هستند. عصر احمدآقا آمد و راجع به جنگ و وضع کشور و سپاه صحبت کردیم. برای سپردن اختیارات فرماندهی کل قوا به آقای رئیس‌جمهور مشورت کرد؛ نظر موافق دادم. گزارش‌ها را از مجلس آوردند؛ خواندم.

... ادامه دارد

۱- شهید سرافراز سرهنگ علی صیاد شیرازی در آن سالها فرماندهی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی را عهده‌دار بود. آقای محسن رضایی نیز فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را برعهده داشت.

۲- در خطبه اول ادامه بحث عدالت اجتماعی درباره برخورد اسلام با تبعیض اقتصادی در جامعه، انفاق در اسلام، مراحل تعاون و انفاق، صدقه جاریه در اسلام و بحث وقف و موقوفات دنبال شد، در خطبه دوم مباحث مربوط به جنایات اسرائیل در لبنان، حاشیه‌ای بر بیانات امام خمینی (ره) در نوروز سال ۶۲، استکبار و کاخ‌نشینی در اسلام، ملاء در قرآن، ثروت و سعادت در اسلام و جریان انحطاط جوامع مطرح گردید.

۳- شیخ راغب حرب از روحانیون انقلابی جنوب لبنان و امام جمعه دهکده جبشیت در بخش نبطیه، سحرگاه روز اول فروردین سال ۶۲ به اتهام شوراندن مردم و حمایت از گسترش اسلام، توسط ارتش اسرائیل دستگیر شد. در پی دستگیری شیخ راغب حرب مردم جنوب لبنان به نشانه اعتراض به این عمل سبعانه در مساجد و حسینیه‌ها دست به اعتصاب زدند. علمای جبل عامل نیز با ارسال تلگرامی به محضر امام خمینی (ره) و همچنین دبیر کل سازمان ملل و اتحادیه عرب، خواستار آزادی این روحانی مبارز شدند. شیخ راغب حرب پس از ۱۷ روز اسارت آزاد شد. وی بعدها توسط عوامل صهیونیستی به شهادت رسید.

۴- این کتاب، تحلیل جامعی از فلسفه مارکسیسم و ماتریالیسم تاریخی و نقاط ضعف سیستم سیاسی- اقتصادی و عوامل ناکامی و زمینه‌های سقوط نظام مارکسیستی است که در دوران زندان ستمشاهی توسط آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به رشته تحریر درآمد و ابتدا در یازده قسمت بدون ذکر نام نویسنده در مجله «پاسدار اسلام» به چاپ رسید. علت عدم ذکر نام، موقعیت سیاسی نویسنده و محذورات سیاسی در جهت حفظ مصلحت نظام و منافع ملی بود. این مجموعه در سال ۱۳۶۸ توسط انتشارات موسسه پاسدار اسلام قم به صورت کتاب انتشار یافت.

۵- اولویت دادن «تقویت و تثبیت نظام جمهوری اسلامی» به مسائل دیگر از جمله به عقاید و دیدگاههای شخصی، موضوعی است که در منش و روش سیاسی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از ابتدای مسئولیت‌های سیاسی به وضوح قابل مشاهده است.

آفتاب — داستان کوتاه طنز

مقام از خود ممنون

مامور کنترل موادمخدر به یک دامداری در ایالت تگزاس آمریکا می رود و به صاحب سالخورده آن می‌گوید: باید دامداری ات را برای جلوگیری از کشت موادمخدر بازدید کنم." دامدار، با اشاره به بخشی از مرتع می‌گوید:"باشه، ولی اونجا نرو.". مامور فریاد می زند:"آقا! من از طرف دولت فدرال اختیار دارم." بعد هم دستش را می برد و از جیب پشتش نشان خود را بیرون می کشد و با افتخار نشان دامدار می دهد و اضافه می کند: "اینو می بینی؟ این نشان به این معناست که من اجازه دارم هرجا دلم می خواد برم..در هر منطقه‌ای ... بدون پرسش و پاسخ. حالی ات شد؟ می‌فهمی؟"دامدار محترمانه سری تکان می‌دهد، پوزش می‌خواهد و دنبال کارش می‌رود. کمی بعد، دامدار پیر فریادهای بلند می شنود و می بیند که مامور از ترس گاو بزرگ وحشی که هر لحظه به او نزدیک تر می شود، دوان دوان فرار می کند. به نظر می رسد که مامور راه فراری ندارد و قبل از این که به منطقه امن برسد، گرفتار شاخ گاو خواهد شد. دامدار لوازمش را پرت می‌کند، با سرعت خود را به نرده‌ها می‌رساند و از ته دل فریاد می‌کشد:" نشان. نشانت را نشانش بده !"

منبع: بیتوته

پمپئو در منطقه به دنبال چیست ؟

ادامه از صفحه اول:

پمپئو تلاش دارد راه‌های تنفسی عراق را به روی ایران ببندد. از سویی ترکیه هم به صراحت اعلام کرده بود که ما به ایران نیاز داریم ولی دیدیم که آمریکا چگونه به این کشور نیز واکنش نشان داد و اعلام کرد اگر ترکیه بخواهد به کردهای سوریه آزار برساند اقتصاد ترکیه را فلج می‌کند. چنین تهدیدی از سوی آمریکا به متحد قدیمی اش در ناتو یعنی ترکیه بی سابقه است. آنها می خواهند یادآوری کنند که اگر کشورهای منطقه و همسایه ایران از جمله ترکیه قدم به قدم به تنگ کردن حلقه محاصره ایران ادامه ندهند به آنها با بهانه‌های مختلف فشارهایی توأمان می‌آورند .

آفتاب — سایه روشن‌های جام

بهشت روی باتلاق!

● امید مافی
روزنامه‌نگار

قرار بود در جرجر باران آن سوی جزیره به پادشاه مرغان دریایی بدل شود و رو به سکوهای اخرایی فرشته نجات برایتون لقب بگیرد.قرار بود با رخت سپید ممد حیات تیم ملی شود و با پاس ها و سانترها و گل های خود لبخندی اریب بر لبان آتشپاره ها بنشاند.قرار بود ریخت و رنگ زمستان را تابستانی کند و وقت و بی وقت سر به سر سیم خاردارهای مغرور بگذارد.اما انگار برایتون برای پسر خوب ایران آمد نداشت.تا پایش به جزیره رسید چترها گشوده شد و باران نومیدی جهانش را خیس کرد.اینگونه شد که در یکشنبه های دیر به دیر کسی علیرضا جهانبخش را در قاب چشمانش ننشاند و او در غلغله کف و هورا از داستان های اساطیری گریخت.حالا موقعیتش در تیم ملی نیز کمی متزلزل شده.اینجا اما آخر دنیا نیست و بمب افکن باید دوباره پرواز کند و به همان توپچی مشکل گشا تبدیل شود تا گودی زیر گونه اش پر از پُرز غروب نگردد و خودش با نظاره نقش آفرینی‌هایش حظی‌بی‌پایان‌برد.علیرضاجهانبخش دیروز در گرمای لذت‌بخش دبی به‌اماواگرها پایان داد و دوباره شادی را در ته مردمک هایش نشاند.وقتی کی روش امیدوار است و به حضور ستاره اش در مرتع قناعت نمی کند لابد علیرضا خیلی زود در قامت پلی میکر کاربلد تیم ملی دوباره اوج خواهد گرفت و مرکبِ رویاهایش را زین خواهد کرد.خواب های اُخرایی و گل بهی پسر گیلان زودتر از حد تصور تعبیر خواهند شد و بهشت آرزوهایش بر روی باتلاق ساخته خواهد شد.این خط و این نشان.

عبور سرخ ها از دیوار چین!

دیروز سرخ های سئول در برابر سفیدهای دیوار چین شیر شرزه ای بودند که هر وقت نیت کردند بر سنگر حریف پرادعا تاختند و با تفکرات پائولو بنتوی پرتغالی نمایشی فراتر از فوتبالِ قاره پهناور را ارائه دادند.دیروز جیغ و داد دواتشه های چینی روی سکوها دردی را دوا نکرد و تیم حرفه ای کره سوار بر زورق قرمز تا فراسوی ساحل رستگاری رفتند و بارها و بارها. شاگردان مارچلو لیپی را به ژرفای آه و حرمان تبعید کردند.

تیمی که در چهارشنبه شرجی کلک اژدها را کند و با سرود و سرور از خوان چشم فندقی های پکن گذشت می تواند صدای بی لفاف هر رقیبی را در کسری از ثانیه خاموش کند.این را دیروز پیرمرد هفتاد ساله ای که روزگاری با سربازان آتزوری جهان را فتح کرده بود بیش از همه فهمید.

جمهوری قرقیز هم در سومین نبرد خود کاری کرد کارستان و با از میان برداشتن پسران کندهوش اریکسون سه امتیاز شیرین تر از عسل به حساب خود واریز کرد تا بیشکک شبش را به صبح پیوند بزند و غصه های خود را با گل های سرجوخه

بدرود روزهای برزخی...بدرود!

پائولو بنتو بالاخره مچ لیپی بزرگ را خواباند

تلاطم نت های شادی در چشمان سئول نشینان

زخم یعنی خنجر سرخ ها بر جسم پسران لیپی

هایش از یاد ببرد.حالا قرقیزها خود را به جمع شانزده تیم برتر قاره رسانده اند.حالا زیر باران تند و ریز بیشکک زندگی رنگ دیگری دارد.

دوئل در گذرگاه دوزخی!

اما در ادامه جامی که به روزهای حساس خود رسیده چهار ملاقات پنج شنبه ای ملتهب را کلید خواهد زد.امروز در ابوظبی عمان به جنگ ترکمنستان می رود تا شاید بتواند در اوج ناامیدی سه امتیاز از عشق آبادی ها بگیرد و در دقیقه نود طعم صعود را بچشد.در دومین پیکار سامورایی ها بر سر صدرنشینی رودرروی ازبک ها می ایستند تا جدالی تب آلود در ورزشگاه خلیفه شکل بگیرد. دوئل عربستان و قطر هم بر سر صدر نشینی گروه E می تواند بر جذابیت جام بیفراید.عنابی ها برای آنکه قدرت خود را بیشتر ثابت کنند به میخکوب کردن بادیه نشینان فکر می کنند.

و بالاخره در ورزشگاه شارجه لبنان برابر کره شمالی صف آرایی خواهد کرد.تیم بی شیر و یال و دمی که نشان داده برای تحقیر شدن در هر کارزاری آماده است.آیا توپچی های سرزمین زیتون با عبور از کنار پیرمردهای پیونگ یانگ جشن صعود را در ورزشگاه نمور برپا خواهند کرد؟پشت زرق و برق جام اتفاقات تازه ای رقم خواهد خورد.دل ها روشن است!

آفتاب — راهکار

کاتالوگ فکر و اندیشه

● رامین نخستین انصاری
روزنامه‌نگار

فکر و قلب میلیون ها نفر در سرتاسر جهان دائماً و به طور مستمر و پیوسته درگیر اتفاقاتی است که به طور طبیعی نباید لزوماً به آن فکر کنند ؛ چرا که در دراز مدت اثرات روحی و روانی ویرانگری روی افراد جامعه باقی می‌گذارد و بسیار مضر هم هست . ولی زندگی سخت است، اقتصاد خانواده ضعیف و کسب و کار و اقتصاد ملی آنان که اغلب از کشورهای توسعه نیافته‌اند، ناکارآمد و آسیب دیده است . در این میان چه کسی می‌تواند مردم را سرزنش کند . مردم به زندگی روزمره و آینده فکر می کنند . مردم کار می کنند ، آن هم در شرایط بسیار سخت ، ولی به جای اینکه بالا بروند، سقوط می کنند . مردم هر روز وقتشان را با تعهدات جدید و سنگین برای تامین مخارج زندگی سپری می کنند و اغلب انتظاراتشان از چیزی که باید به دست آورند ، فرو می‌ریزد. مردم به سختی زندگی می کنند. بنابراین به خود حق می دهند از درد و رنجی که در آن به سر می برند فرار کنند . مردم حق خود می‌دانند زمانی که دست‌هایشان را به سوی سیاستمدارانی که وعده می دهند ولی عمل نمی کنند ، دست به فرار بزنند ، ولی فرار تسکین موقت مشکلات افراد جامعه است . مردم باید بدانند که بسیاری از دردها که آنها به طور مداوم با آن مواجه می شوند با فرار فقط منجر به اتلاف انرژی آنان می شود. مشکلات را از بین نمی برد . ، تک تک افراد این جوامع به دلیل واقعیات دردناک و تلخ جامعه بخواهند از اخلاق دور و دورتر شوند ، حوادث دردناک تری در انتظارشان خواهد بود . مردم وقتی از پس گرانی، بیکاری، تورم و فقر برنمی آیند ، سعی می کنند ، فرار کنند . فرار به مثابه شورش علیه وضعیت جوامع شان محسوب می‌شود. با قبول این واقعیت باید پذیرفت با این روش مردم علیه خودشان هم شورش می کنند و به منافع فردی و جمعی خویش ناخواسته آسیب می رسانند. ساختار این گونه جوامع آلارم خوبی به هیچ‌کس نشان نمی دهد . این راه درستی نیست . فرار نشان از ضعف و ناتوانی و ظهور آنارشی می شود که منجر به فروپاشی زیرساخت‌های فرهنگی و اقتصادی جامعه می شود . افسردگی و پرخاشگری و دروغ و کلاهبرداری و... در چنین جوامعی گسترش می یابد و در چنین اجتماعی جامعه غیرمنصف و ماکیاولیستی می‌شود . مردم باید واقعیات حاکم بر جامعه خویش را بپذیرند . از واقعیت و حقیقت نمی شود فرار کرد .آنارشی حاکم بر جامعه تبعات سنگین اخلاقی دربردارد . مردم باید خود را ببینند . همانطوری که واقعاً در خانواده و جامعه چگونه هستند و چگونه عمل می کند. مردم باید ببینند چه چیزی را باید به جای فرار انتخاب کنند . در واقع چیزی قدرتمندتر از دانستن و فهمیدن و علم و دانش و بالطبع تغییر در تفکر و اندیشه مردم برای حل مشکلات جوامع این چنینی وجود ندارد . مردم باید احساس، برای تغییر داشته باشند . جلوی دروغ و خیانت و تهمت و ریا و تزویر و غیبت و بدگویی و تجاوز به حقوق دیگران در جامعه گرفته شود، مردم چه انتظاری از چه کسانی باید داشته باشند . مردم این چنین جوامع باید ملی و اهل همدلی باشند ، به عبارتی هر کسی فکر خویش نباشد .

نباید شاهد حلقه مخرب رشد بی اخلاقی در جامعه باشیم . از دیدگاه مردمان این جوامع به جای نیاز به فرار که منجر به بروز بی‌نظمی، ناهنجاری، بی اخلاقی و بدعهدی در جامعه می‌شود به دنبال آن باشند که تفکرات خود را تغییر دهند . دگرگونی در اندیشه و تفکر به جای فرار ایده بهتری می باشد. وقتی تفکر مردم عوض شد . وقتی تیراژ کتاب به ۵۰ میلیون رسید، زمان فرا رسیدن حل مشکلات مردم است . زمان تحول در جامعه است و در این میان فیلسوفان متفکر این جوامع باید در این امر مهم به کمک مردمان خویش بشتابند . در دوران قرون وسطی مردم اروپا حوادث و اتفاقات وحشتناکی را تجربه کردند . فرار مانیفست مردم بود . ولی زمانی که با کمک فیلسوفان خویش به جای فرار، مانیفست فهمیدن، دانستن و جرأت دانستن را انتخاب کردند ، آنگاه همه چیز تغییر کرد و وقتش رسید که سیاستمداران پیرو مردم شوند و حق و حقوق ملت به رسمیت شناخته شد و زندگی راحت تر و آسان تر گردید .

یکی از بزرگترین توهماتی که فکر بسیاری از مردم را به خود مشغول کرده است ، احساس تو هم جدایی منافع فردی از جمعی است . با هم بودن ، به فکر هم بودن ، منافع جمعی را فهمیدن ، جامعه را قدرتمند می‌کند . این چیزی است که مردم به آن احتیاج دارند؛ درمان، اصلاح و تغییر و با هم و برای هم زندگی کردن است . این روش مردم را به آسمانها می کشاند . جشنواره ای از زندگی برپا می شود .

زندگی هدیه آفریدگار به انسانهاست ، باید آن را به اشتراک بگذاریم . تغییر مکانیزم درست برای اطمینان از آینده است . تغییر احساسی یکپارچگی و همبستگی یک ملت برای یک جامعه ایده آل را محقق می سازد . به جای فرار یک انتخاب درست برای زندگی بهتر یک زندگی کاملاً انسانی و اخلاقی با ایده دانستن و آگاهی به دست می آید . مردم حداقل آن را امتحان کنند.